

معنا که از عالم خویش یا از جایگاه خویش بیرون می افتد و بدون در نظر گرفتن شرایط تحقق اش و به تبع آن شرایط اثرگذاری اش، با آن رفتار می شود. برای توضیح مطلب لازم است دو نحو نسبت گرفتن با علم و تکنولوژی را از یکدیگر تفکیک کنیم. این تفکیک را گابریل مارسل، فیلسوف نام‌آشنای قرن بیستم فرانسه، به خوبی به‌دست داده است: نسبت اول این گونه است که علم را می‌خواهیم به تملک خویش درآوریم. ما متعلقات و داشته‌های متعددی داریم ازقبیل ثروت، خانه، وسیله نقلیه و... یکی از آن داشته‌هایی هم که می‌پنداریم می‌توانیم به سایر داشته‌های خود اضافه کنیم، علم است. در چنین نسبتی علم کالایی تصور می‌شود که می‌توان آن را خرید و تملک کرد و از آن استفاده نمود. این نسبت، نسبت تملک است. در این نسبت ما همان هستیم که بوده‌ایم ولی علم به ما اضافه شده است. علم در این صورت شاید امر تزئینی باشد و به وجود آن افتخار کنیم، میزان و اندازه آن را با مقالات منتشرشده بسنجیم و با آن سری در میان دیگران پیدا کنیم اما توجه نمی‌کنیم که ما همانیم که بوده‌ایم، به‌علاوه کالای جدیدی به‌نام علم. اما بدون علم چه بوده‌ایم؟ معلوم است که جاهل بوده‌ایم. اما آیا اکنون عالم شده‌ایم و از چهل راهایی پیدا کرده‌ایم؟ پاسخ به وضوح منفی است زیرا علمی که به‌دست آورده‌ایم صرفاً کالایی است که به دارایی‌های ما اضافه شده است ولی در ما تأثیری نداشته است. ما هنوز همانیم که بوده‌ایم. علم در صورتی موجب افزایش قدرت حاکمیتی و ملی خواهد شد که به آن، نه به‌عنوان کالایی خریدنی، تزئینی و مصرفی بلکه چونان راهبری حاکم بر تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، مدیریت اجرایی، روابط بین‌سازمانی و بالاخره مرجع نهایی حل‌وفصل اختلاف‌ها نگریده‌شود اما فقط در صورتی چنین خواهد شد که علم در خانه هستی ما سکونت گزیند و به تعبیری دیگر، امری نه افزوده بر ما که متحد ما گردد. اگر چنان نسبتی با علم برقرار کنیم، علم منشأ اثر خواهد شد و قدرتی به ما خواهد بخشید که در جهان علم و فن‌سالار کنونی توانیم تاب بیآوریم و در دره نابودی و تباهی سقوط نکنیم. در این نسبت دیگر علم کالایی از آن ما نیست، بلکه ما به علم تعلق خواهیم داشت. رابطه کنونی با علم را باید کاملاً معکوس کنیم. به‌جای آنکه علم را تملک کنیم، باید به علم تعلق پیدا کنیم. تعلق به علم داشتن، به این معناست که هستی ما هستی علمی گردد و لازمه این امر آن است که چنان تحولی در ما به‌وجود آید که از آنچه هستیم، فانی گردیم و به علم متحقق شویم. گویی تولدی دیگرمان بایسته است. وجود ما تا وجودی علمی نگردد، علم کیمیای قدرت خود را در اختیارمان نخواهد گذاشت و نیروی مقاومت‌مان را فزون نخواهد کرد. باید خانه را برای ورود و سکونت علم آماده کرد. این خانه، خانه هستی ماست که باید نیست گردد تا علم در آن مقیم شود. آیا این به آن معناست که باید از هویت و حقیقت خود دست شوییم و هویت و حقیقتی علمی را جایگزین آن نماییم؟ پرسش البته پرسش دشواری است. زیرا این راه، راه بسیار دشوار و خطیری است. برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید پرسیم که این ما که قرار است احتمالاً نیست شود تا مای علمی جایگزین آن گردد، چیست یا کیست؟ درخصوص آن البته توهمات بسیار زیادی داریم. برخی ریشه آن را در فرهنگ و تمدن باستان می‌جویند، بعضی سرچشمه‌اش را در اسلام و برخی دیگر آن را در تلفیقی از ایرانیت و اسلامیت می‌شمارند. وجه مشترک این هر سه طایفه در گذشته‌نگری آنهاست. آنها گذشته را پشتوانه‌ای کافی برای تاب‌آوری در زمان حال و آینده می‌بینند ولی توجه ندارند که آن گذشته هر چه بود - از اوج و حضیض، قوت و ضعف و خوب و بدش - به عالمی دیگر تعلق داشت. عالمی که در آن به‌هر حال توانستیم به‌رغم همه بحران‌ها، تهدیدها و هجوم‌ها مقاومت کنیم و لااقل بخشی از سرزمین‌مان را حفظ نماییم و همراه با آن به عالم کنونی پرتاب شویم. اما این عالم دیگر عالم گذشته نیست، اما ما کم‌وبیش آدم‌های همان عالم هستیم. انسان‌های عالمی که دیگر خسته، فرسوده، بینوا و کم‌توان شده‌اند. به‌همین جهت خانه هستی ما خانه‌ای ناامن، ناپایمان و ناپایدار شده است. خرد در این خانه جای خود را به هیجان و احساسات، آینده‌نگری، به آرزواندیشی و تدبیر به‌بی‌تصمیمی و فرصت‌سوزی داده است. این خانه، خانه هستی ماست. غیر از ما نیست، خود ماست. ما از خانه هستی خویش منفک نیستیم و لذا ترک این خانه به‌معنای ترک خودی است که از تاریخ بیرون افتاده است. باید این خانه را ترک گوئیم و خانه‌ای نو بسازیم. باید خانه‌ای بر پایه خرد، تدبیر، دوزاندیشی و بصیرت بنا کنیم.

در این خانه نو عقلانیت و علم باید حکمفرما شود. علم

و عقلانیت هنگامی حکمفرما خواهد شد که در ما تحقق

یابد و ما را از آن خود کند و ما به آن تعلق داشته باشیم، نه

آنکه آن را از آن خود بخواهیم و بخواهیم آن را داشته باشیم.

در چنین حالتی است که علم به ما قدرت خواهد بخشید.

می‌دانیم که علم جدید علم شناخت طبیعت و انسان در

جهت تسلط بر آن است. با این تسلط است که علم، قدرت

می‌آفریند و به‌همین سبب است که علم جدید عین تکنیک یا

تکنولوژی است و لذا از آن تعبیر به تکنوساینس شده است.

تکنوساینس در عالم کنونی، یکی از منابع بسیار مهم قدرت

است. محرومیت از آن بدون تردید منجر به حذف و فروپاشی

خواهد شد. در جنگ ۱۲ روزه قدرت آن را به‌عیان دیدیم. باید

خطر کنیم و تحقق و تقرری علمی تکنولوژی باییم. چنین

تحققى با جهش امکان‌پذیر است. جهش از آن چه هستیم

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه

علم است، مقاومت می‌شود.

و آنجایی که هستیم، به جایگاهی که باید در عالم کنونی

بیابیم. بدون چنین خطرکردنی و جهشی، تاب نخواهیم آورد.

بحران‌ها و ابربحران‌های کنونی را جز با مدد علم و روش‌های

علمی، حل نمی‌توان کرد. امروزه مقاومت تبدیل به شعار

رسمی و ایدئولوژیک شده است و همانند بسیاری دیگر از

این‌گونه شعارها تا حدود زیادی در حد شعار باقی مانده و

حتی تبدیل به ابزاری سیاسی در صحنه رقابت‌های جناحی

قرار گرفته است، درصورتی که باقی ما وابسته به مقاومت در

جهان پرتلاطم، سلطه‌گر و بی‌رحم کنونی است. در فضای

شعاری - ایدئولوژیک‌شده کنونی، در مقابل این دیدگاه که

لازمه کسب قدرت برای مقاومت، تقرر علمی و اقامت در خانه